

دور از چشم صلیب

www.ketab.ir

خاطرات خودنگاشت آزاده (اسیر آزاد شده جنگ تحمیلی)
مسعود قربانی



دور از چشم صلیب

خاطرات خودنگاشت آزاده (اسیر آزاد شده جنگ تحمیلی)
مسعود قربانی

ویراستاران: فرزانه قلعه‌قوند، افسانه گودرزی
بازخوانی و صحت‌سنجی: فرزانه قلعه‌قوند
مصحح رای و صفحه‌بندی: افسانه گودرزی
ترجمه: روح جلد: سیدایمان نوری نجفی
ناظر چاپ: ناطمه رنجبران

ایر، گراف، چاپ، صحافی: ایرانا

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹-۸

سرشناسه: قربانی، مسعود، ۱۳۵۰-
عنوان و نام‌پدیدآور: خاطرات خودنگاشت آزاده (اسیر آزاد شده
جنگ تحمیلی) مسعود قربانی، ویراستاران: فرزانه قلعه‌قوند، افسانه
گودرزی

مشخصات نشر: تهران: پیام آزادگان، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص. ۱۴/۵ x ۲۱/۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۲۰-۳۹-۸

یادداشت: فیما

موضوع: قربانی، مسعود، ۱۳۵۰

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶، آزادگان، خاطرات

موضوع: Iran-Iraq-۱۹۸۰-۱۹۸۸, Released captives--Diaries

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷--اسیران -- خاطرات

موضوع: Iran-Iraq-۱۹۸۰-۱۹۸۸,--Prisoners and prisonsDiaries

شناسه افزوده:

رده‌بندی کنگره: DSR ۱۶۲۹

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۱۳۴۵۲۷

نشانی: تهران - بین میدان فردوسی و استاد نجات‌اللهی - کوچه نیایی

- پلاک ۸

تلفن: ۱۷ و ۸۸۸۰۷۰۱۵-۸۸۸۰۰۰۱۶-۸۸۸۰۰۰۱۶

قم: خیابان هنرستان، بسیج ۱۱، روبه‌روی خیابان شهید رجایی،

انتهای کوچه سمت راست، پلاک ۲۰ - تلفن: ۳۷۸۲۸۶۰۷ - ۲۵

با شما می‌گوییم

دور از چشم صلیب خاطرات بدون اغراق و صادقانه، مسعود قربانی، آزاده‌ای از استان فارس است.

مسعود قربانی در رستام اکبرآباد، از توابع شهرستان فسا، به دنیا آمد. فقط شش سال داشت که پدرش از دنیا رفت. کودکی این آزاده خطه فارس به انقلاب سرگرمند اسلامی گره خورده بود و نوجوانی‌اش به جنگ. او، از وقتی خردش را شناخت یار و همراه روزهای انقلاب و جنگ بود. مسعود قربانی ابتدا، وقتی در هنرستان شبانه‌روزی کشاورزی مشغول تحصیل بود دور از چشم و اطلاع خانواده یک دوره کوتاه آموزش نظامی دید و به جبهه رفت. در آنجا به دلیل سن کم و جثه کوچکش با اعزامش موافقت نشد و او را برگرداندند به شهرستان فسا. مسعود نوجوان از پانزده سالگی و مجدداً در ۲۲ مرداد ۱۳۶۶ به جبهه رفت. بخت یارش بود که بار دوم مشکلی پیش نیامد. مسعود با گردان امام حسن مجتبی (ع) از لشکر ۳۳ المهدی (ع) استان فارس، ابتدا اعزام شد به جزیره مجنون و بعد از دو ماه به منطقه کردستان رفت. یک ماه هم در آنجا بود.

سرانجام مسعود قربانی در فروردین ۱۳۶۷، که سال سوم دبیرستان بود، مجدداً به جبهه رفت و سفری بی بازگشت برایش رقم خورد. او در دهه سوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ به واحد تخریب پیوست و سرانجام در چهارم خرداد سال ۱۳۶۷ در منطقه شلمچه با دونفر دیگر از هم‌زمانش محاصره شد و در نابرابری اوضاع جنگی منطقه به اسارت درآمد. دوران اسارت این آزاده شجاع، صبور و مقاوم در اردوگاه تک‌بیت ۱۲ سپری شد.

خواننده کتاب، دور از چشم صلیب در ادامه همراهی با راوی از کودکی و نوجوانی به جبهه‌های جنگ سفر می‌کند، با او به اردوگاه دشمن بعثی می‌رود و چهار هزار آزاده سربلند به میهن اسلامی بازمی‌گردد.

کتاب خاطرات مسعود قربانی را «انتشارات پیام آزادگان» پس از صحت‌سنجی در اختیار علاقه‌مندان عرصه دفاع مقدس و حوزه اسارت قرار داده است.

ناشر

۱۱	سخن راوی
۱۵	دوران کم‌جی و نوجوانی
۲۹	دوران انقلاب
۳۵	دوران جنگ
۴۳	جبهه
۵۳	اسارت
۵۹	اردوگاه
۷۳	اردوگاه شماره ۱۲ تکریت
۱۲۵	آزادی
۱۳۹	ضمائم

ساختن راوی

سلام و دردد به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) و روح پر فتوح حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای. سلام و دردد به شهیدان راه اسلام و دلیرمردان جبهه‌های مقاومت؛ جانبازان و آزادانی که در اسارت رژیم بعث عراق، دردها و رنج‌های فراوانی در راه حسین (ع) مکتب قرآن تحمل کردند. کتاب دور از چشم صلیب در هشت فصل به نگارش درآمده است: دوران کودکی و نوجوانی، دوران انقلاب، ایران جنگ، حضور در جبهه، دوران اسارت، اردوگاه، اردوگاه شماره ۱، تکریت و آزادی آورده شده است.

در کتاب دور از چشم صلیب از دوران سخت کودکی و نوجوانی می‌گویم. از اوضاع نابسامان و بسیار دشوار آن زمان: مرگ پدر، برادر و داستان پر از رنج مادری ایتارگر و شجاع، که همچون کوهی استوار در برابر حوادث و ناملایمات روزگار، به رسالت زینبی خود پرداخت. از دوران انقلاب و جنگ حرف می‌زنم. از جبهه و حضور در جبهه‌های مقاومت یاد می‌کنم. خاطرات

ثبت نام در پایگاه بسیج برای اعزام به جبهه در نوجوانی، آموزش نظامی و اعزام به مناطق جنگی جزیرهٔ مجنون و کردستان در مرحلهٔ اول و بار دوم نیز اعزام به منطقهٔ جنگی شلمچه و در ادامه به دوران اسارت می پردازم.

در خاطرات دوران اسارت از چگونگی به اسارت درآمدن می گویم و از تاریخ اتفاقات در شهرهای بصره، بغداد و اردوگاه مخوف ۱۲ تکریت که حدود ۲۷ ماه از اسارتم در این اردوگاه سپری شد.

همان طور که می دانیم مردم عراق مسلمانند و اکثریت شیعه اند. در آن زمان حزب طام را به دین بعث حاکم بود و دیکتاتوری ظالم همچون صدام حکومت می کرد. خود مردم عراق نیز، تحت ظلم، ستم و فشار این ستمگر بودند. حکومت به اختیار و رأی مردم نبود و از این ظالم ناراضی بودند. افسران بی بی و نیز نیروهای عراقی آزاده ها را به شدت شکنجه می کردند؛ چون مأموران تحت امر این بعثی ها بودند و به لحاظ امنیت شغلی و جانی، می ترسیدند ...

دوران اسارتم در سال ۱۳۶۹ به پایان رسید. آخرین من معلم منطقه ۶ شهر تهران و در خدمت نظام آموزش و پرورش مردم عزیز کشورم هستم. دو فرزند دارم به نام های امیرمهدی و فاطمه زهرا. می خواهم خاطراتم را برایشان به یادگار بگذارم. بی شک روزی که بزرگ شدند، به شرط عمر، برایشان از ناگفته های جنگ و دوران اسارت می گویم، از خاطراتی که هیچ گاه نوشته نخواهند شد؛ می گویم تا دیروز من درس آموز فردای زندگی شان باشد. امیدوارم خداوند فرزندانم را موفق بدارد و یاریشان کند تا در جهت صراط المستقیم و در راه

مکتب قرآن و عترت^(ع) گام بردارند و در این راه سعادت‌مند و عاقبت
به خیر شوند.

به امید ظهور منجی عالم بشریت، حضرت صاحب الزمان^(عج)،
پیروزی مستضعفان و ستم‌دیدگان عالم بر ظالمان و ستمگران در
سر تاسر جهان. ان شاء الله.

مسعود قربانی

فروردین ۱۳۹۹

www.ketab.ir